

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیامبران علیہ السلام معصومند چرا و چگونه؟

درسهایی از اصول دین، شماره ده

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۳

نام جزوه: پیامبران معصومند چرا و چگونه؟

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- ۱- اصل تربیت ۸
- ۲- پذیرش و اعتقاد ۱۱
- ۱- محبت واقعی ۱۳
- ۲- بینش عمیق و کامل پیامبران ۱۷

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۵

خدای مهربان و حکیم پیامبران را برانگیخت
تابه رهبری و راهنمای آنان، جامعه‌ی بشری راه
درست از پرتگاه بازشناسد و بتواند تا بلندترین
قله‌های سرفرازی واقعی و کمال و صفات پسندیده
گام بردارد و راه بسپارد.

و نیز به همین منظور خدای مهربان و حکیم
پیامبران و فرستادگان خود را از هرگونه گناه و اشتباه
مصون داشت و در یک کلام: معصوم قرار داد تا
بتوانند بشر را به سوی تکامل واقعی و همه‌جانبه و
اطاعت و فرمان‌برداری نسبت به فرمان‌های خدا بدون
هیچ اشتباه و خطا سوق دهند.

واضح تر آنکه همان دلیلی که لزوم نبوت و فرستادن پیامبران را ایجاب می کرد، ایجاب می کند که پیامبران از هرگونه گناه و آلودگی و اشتباه و خطا معصوم و مصون باشند. چرا که هدف و غرض از بعثت پیامبران سوق جامعه به هدایت و تربیت است و این هدف در سایه ی عصمت پیامبران و فرستادگان تأمین می شود زیرا بدیهی است انجام کارهای زشت و ناپسند و گناه و نیز صدور خطا و اشتباه باعث تنفر و بی اعتمادی مردم نسبت به آنها می گردد و غرض که هدایت و تربیت جامعه است از بین می رود.

البته می دانیم که هیچ خردمندی نقض غرض نمی کند و آنچه در نیل و رسیدن به غرض او مؤثر باشد مراعات می کند مثلاً کسی که می خواهد در

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۷

مجلس جشن او عده‌ای از شخصیت‌های برجسته شرکت کنند و می‌داند که آن‌ها بدون دعوت محترمانه نخواهد آمد. هیچ‌گاه برای دعوت کسی را نمی‌فرستند که آنان از او تنفر داشته باشند بلکه تلاش می‌کند دعوت را طوری به عمل آورد که همه دعوت او را بپذیرند و در غیر این صورت کار او عاقلانه و حکیمانه نخواهد بود و قبیح و ناپسند تلقی می‌گردد.

خداوند حکیم و مهربان نیز آنچه در هدایت و تربیت جامعه مداخلیت اساسی دارد مراعات کرده و نخواستار است مردمان تابع و پیرو اراده‌ی انسان‌های هوس‌باز و آلوده باشند و از تکامل واقعی خویش دور افتند و بازمانند، لذا پیامبران معصوم را فرستاده

۸ / پیامبران معصومند چرا و چگونه؟

است تا هدایت و تربیت جامعه به بهترین شیوه
امکان پذیر باشد.

و اینک به تفصیل می خوانیم که چرا پیامبران
باید معصوم باشند.

۱- اصل تربیت

در درس هایی پیش خواندیم که انگیزه ی بعثت
پیامبران تربیت بشر است و می دانیم در تربیت،
جنبه ی عملی مربی، بیش از گفتار و راهنمایی های
قولی او مؤثر است.

خوبی ها و کردارهای مربی می تواند دگرگونی
عمیقی در انسان به وجود آورد زیرا انسان بنا بر اصل
«محاکات»- که از اصول مسلم روانی است-،
رفته رفته خود را با اخلاق و رفتار مربی خویش

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۹

تطبیق می‌دهد و چنان رنگ می‌پذیرد که گویی چون
سطح پالاب پاک و شفافی است که تصویر آسمان
فراز خویش را بازمی‌نماید.

تنها گفتار نمی‌تواند نقش تربیت را ایفا کند بلکه
برای تربیت است - که ایده‌ی رسالت است -،
پیامبران باید دارای صفات و خویی‌های پسندیده
باشند و به رنگ گناه و رنگ اشتباه نیالوده باشند تا
بتوانند جهانیان را به سوی هدف مقدس خود جذب
نمایند.

آشکار است که آن‌که به گناه دست می‌آزد، و
گرچه به پنهانی و بی‌آنکه هیچ‌کس آگاه گردد، و خود
را در انظار همگان به پاکی می‌نمایاند، هرگز آن

۱۰ / پیامبران معصومند چرا و چگونه؟

نیروی استوار روحی را نخواهد داشت که در زمینه‌ی
روح انسان‌ها، دگرگونی اساسی ایجاد کند...

آنکه خود به می لب می آلود، هرگز نمی‌تواند
در بازداشتن دیگران از میخوراگی فریادی راستین
بردارد و اراده‌ی پولادین در مبارزه با این کردار، به
کار گیرد.

ناراحتی شدید و تغییر حال پیامبران و به‌ویژه
پیامبر گرامی اسلام از گناه و آلودگی مردم خود
بهترین گواه است که آنان از هر گناهی صمیمانه بیزار
بودند و هیچ‌گاه به آن آلوده نشدند.

راز مهم پیشرفت پیامبران، هماهنگی گفتار و
کردار آنان بودند و همین هماهنگی بین گفتار و

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۱۱

کردار آنهاست که می‌تواند اساس فکر بشر را دگرگون کند و جامعه‌ها را به سوی کمال سوق دهد.

۲- پذیرش و اعتقاد

هراندازه که ایمان و اعتقاد مردم به گوینده‌ای بیشتر باشد به همان میزان پذیرش آنها نسبت به او افزایش می‌یابد و برعکس.

به همین جهت، پیامبران که بازگوکننده فرمان‌های الهی و بازدارنده‌ی مردم از گناه و آلودگی هستند به طریق اولی باید آراسته به عالی‌ترین صفات پسندیده و خالی از هرگونه گناه و آلودگی بلکه خطا و اشتباه باشند تا اعتماد و ایمان مردم به آنها بیشتر گردد و گفته‌ها و راهنمایی‌های آنان را بپذیرند و در راه اجراء برنامه‌ها و کار بستن دستورهای اصلاحی

آن‌ها، بیشتر کوشش کنند و از ژرفای دل آنان را پیشوا و راهبر خویش بدانند تا هدف بعثت که سوق دادن به تکامل همه‌جانبه‌ی نوع بشر است، تأمین گردد و در غیر این صورت هدف بعثت حاصل نمی‌گردد و این کار از حکمت خدا بسی دور است.

و همین عصمت و شایستگی فوق‌العاده‌ی پیامبران بود که مردم را دل‌باخته‌ی آنان کرد تا آنجا که برخی از پیروانشان بدیشان عشق می‌ورزیدند و در پیروی و اطاعت ایشان جان می‌باختند و سر از پا نمی‌شناختند.

اما اینکه چگونه یک انسان می‌تواند از گناه و لغزش مصونیت داشته باشد، بحثی است که اینک مورد گفتگو قرار می‌گیرد.

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۱۳

۱- محبت واقعی

پیامبران الهی دلباخته‌ی خدا و پروردگار مهربان بودند و چرا نباشند؟ که آنان با دید وسیع و بینش عمیق خود خدا را بهتر از همه می‌شناختند و عظمت و شکوه و جلال او را والاتر از هر چیزی می‌دانستند و تنها او را شایسته‌ی مهر و محبت و اطاعت می‌یافتند و چیزی جز رضای او در نظر نداشتند و به غیر او دل نمی‌بستند و همه‌چیز را فدای او می‌کردند و می‌دانستند چه کسی را می‌پرستند.

به همین جهت بود که پیامبران در تبلیغ، از مشکلات و حوادث سهمگین استقبال می‌کردند و همان‌گاه که در بحرانی‌ترین موقعیت‌ها به سر می‌بردند و با چهره‌ای گشاده و خندان به خدا توجه

می‌کردند. و از اینکه در راه محبوب راستین خویش سختی می‌بینند، سرشار از سرور بودند...
تاریخ، کوشش‌های این مردان آسمانی و مشعل‌داران هدایت را و نیز بدرفتاری‌های مردم را نسبت به آنان ثبت کرده است. آیا پایداری در این مشکلات جز عشق به خدا و انجام فرمان او انگیزه‌ی دیگر داشته است؟ نه...

آنان که چنین در راه محبوب خویش گاه از سر ندانند و سخنی جز بر مراد او بر زبان نرانند... و هیچ گوشه از دل و جان و روح و اندیشه‌هایشان خالی از یاد او نباشد، چگونه می‌توان باور داشت که از فرمان‌های او سرپیچند.

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۱۵

یعنی دل به گناه بسپارند؟ بلکه در راه اطاعت و بندگی او می‌کوشند و عشق می‌ورزند.

به رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گفته شد چرا این قدر خود را - در عبادت - به رنج و زحمت می‌اندازی درحالی که تو پاکی و گناهی نداری آن گرامی فرمود چرا بنده‌ی شاکر و سپاسگزار خدا نباشم افلا اکون عبداً شکوراً!

حضرت امیرمؤمنان علی عَلِيٌّ به صفات عالی پیامبر اسلام اشارت‌هایی دارد از جمله می‌فرماید خداوند محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به رسالت و پیامبری برانگیخت درحالی که گواه خلق و مژده‌رسان و

بیم دهنده بود در طفولیت بهتر از همه و در کهولت از همه برگزیده تر و خلق و طبیعتش از همه ی پاکان پاک تر بود و باران جود و بخشش او از همه ی جود کنندگان بیشتر ریزش داشت.^۱

او پیشوای پرهیزکاران و روشننگر راه هدایت شدگان است.

امام من اتقی و بصر من اهتدی^۲.

آری معرفت کامل پیامبران و مهر عمیق و راستینی که به خدا داشتند مصونیت و عصمتی ایجاد می کرده است که علاوه بر جلوگیری از گناه از اراده و تصور گناه هم خودداری می کردند.

۱. تاریخ طبری ج ۵، ص ۲۲۷۱ - ۲۲۶۹.

۲. نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه ی ۱۱۵ ص ۳۶۳.

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۱۷

۲- بینش عمیق و کامل پیامبران

بینش‌ها یکسان نیست. یک فرد بی‌اطلاع و بی‌سواد، درباره‌ی میکرب و ظرف آلوده به آن، هرگز چون یک پزشک فکر نمی‌کند. یک پزشک که مهر و موم‌های درباره‌ی میکرب فکر کرده و بارها آن را زیر میکروسکوپ با چشم خود دیده و سرانجام کسانی را که از آن پرهیز نکرده‌اند مشاهده کرده است هرگز نمی‌تواند به میکروب و خطرات آن بی‌اعتنا باشد.

به همین جهت می‌بینیم که آن را بی‌اطلاع، به خوردن آب آلوده به میکرب اقدام می‌کند و باکی هم ندارد ولی آن پزشک هرگز حاضر نیست از آن آلوده بیاشامد و حتی خیال آن را هم در ذهن خود نمی‌گذارند.

تنها انگیزه‌ی این اجتناب، دانش و اطلاع آن پزشک به زیان‌های میکرب است چنان‌که آن بی‌سواد و بی‌اطلاع نیز از خوردن زباله خودداری می‌کند چون در این مورد از آلودگی و مضرات آن آگاه است، اما یک کودک یکساله اگر همان زباله را در دسترس بیابد بسا که به دهان گذارد...

موضوع دیگر اینکه گروهی از مردم به زیان‌های تدریجی خیلی اهمیت نمی‌دهند. باینکه از ضررهای ناگهانی وحشت دارند و از آن جلوگیری می‌کنند. مثلاً یک نفر ممکن است برای کشیدن دندان کرم‌خورده‌ی خود تنبلی ورزد و در رجوع به دندان‌پزشک امروز و فردا کند تا آنجا که دندان‌هایش فاسد گردد و بسا که ناراحتی‌های فراوانی برای او

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۱۹

پیش آورد و عوارض آن حتی به امراض سخت مبتلایش کند. اما همین شخص به هنگام بروز درد آپاندیس و احتمال خطری جدی و آنی هرچه زودتر خود را به دست پزشک جراح می سپارد...

اگر پزشک دانشمندی به الکل معتاد می گردد به خاطر این است که از زیانهای معنوی و روحی آن اطلاع کامل ندارد و ضررهای تدریجی آن را از روی شهوت و خواسته‌های نفسانی نادیده می گیرد.

مردم عادی با یک نظر سطحی به گناه می نگرند و به تأثیر آن در تمام جهات مادی و معنوی، جسمی و روحی توجه کامل ندارند.

اما پیامبران که از نظر واقع بینی و دانش‌ها به کمک نیرویی برتر بر سایر مردم تفوق و به تمام

۲۰ / پیامبران معصومند چرا و چگونه؟

تأثیرات گناه بینش ژرف و کامل داشتند حتی اثرات گناه را که در عالم آخرت مجسم می‌شود با مشاهده‌ی باطنی می‌دیدند هیچ‌گاه خود را تسلیم خواسته‌های نفسانی نمی‌کردند و دامن خود را به گناه آلوده نمی‌ساختند و حتی فکر آن را هم در دل راه نمی‌دادند.

پیامبران اثرات گناه را در عالم برزخ و آخرت می‌دیدند و برای مردم شرح می‌دادند، چنانکه از پیامبر عزیز اسلام روایات زیادی در این زمینه وارد شده است و نمونه‌ای از آن‌ها را در اینجا می‌آوریم:

«حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: من و

فاطمه علیها السلام نزد پیامبر رفتیم دیدیم آن گرامی به شدت می‌گریست گفتم پدر و مادرم فدایت چرا گریه

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۲۱

می‌کنی فرمود شبی که مرا به معراج بردند گروهی از زنان امت خود را در عذاب شدیدی دیدم زنی را دیدم که به مو آویخته شده و مغز سرش از شدت حرارت به جوش آمده بود دیگری به زبانش آویخته شده و در حلقش آب سوزان می‌ریختند... دیگری گوشت بدنش را می‌خورد و آتش از زیر پایش شعله می‌زد دیگری دست و پایش بسته بود و مارها و عقرب‌های جهنم بر او مسلط بودند... دیگری گوشت بدنش را با قیچی‌های آتشین می‌چیدند... دیگری به‌صورت سگ درآمده بود و آتش از زیرش داخل می‌شد و از دهانش بیرون می‌آمد و فرشتگان عذاب عمودهای آتشین را بر سر و بدن او می‌نواختند.

۲۲ / پیامبران معصومند چرا و چگونه؟

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عرض کرد این زنان چه کرده بودند که خدا آنان را چنین عذاب می‌کند.

پیامبر عزیز اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: آنکه به مو آویخته شده بود مویش را دنیا از نامحرم نمی‌پوشاند، و آنکه به زبان آویخته شده بود شوهرش را آزاد می‌داد... و آنکه گوشت بدن خود را می‌خورد، خود را برای مردم نامحرم آرایش می‌کرد، و آنکه دست و پایش را بسته بودند و مارها و عقرب‌ها بر او مسلط بودند به وضو و طهارت لباس و نیز غسل جنابت و حیض اهمیت نمی‌داد و نماز سبک می‌شمارد... اما آنکه گوشت بدنش را با قیچی‌ها می‌چیدند او زنی است که خود را در اختیار مرد اجنبی و نامحرم قرار می‌داد... و اما آنکه به صورت سگ در آمده بود و

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۲۳

آتش از زیرش داخل می‌شد و از دهانش بیرون می‌آمد او خواننده بود سپس رسول گرامی اسلام فرمود:

وای بر آن زنی که شوهرش را به خشم درآورد و خوشا به حال آن زنی که شوهرش از او خشنود باشد.»^۱

و نیز رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود به گروهی برخورد که آنان را به قلاب‌های آتشین آویخته بودند از جبرئیل پرسیدم آنان کیستند گفت آنان کسانی هستند که خدا آنها را به حلال از حرام بی‌نیاز کرده بود ولی به دنبال حرام می‌رفتند، و نیز به گروهی برخوردیم که پوست بدنشان با نخ‌های آتشین

دوخته می‌شد گفتم آنان کیستند؟ جبرئیل گفت آنان افرادی هستند که با دختران روابط نامشروع برقرار می‌سازند.^۱ و نیز فرمود کسی که ربا می‌خورد خدا شکم او را از آتش جهنم به همان مقداری که ربا خورده است پر می‌کند^۲ و همچنین درباره شراب‌خوار و سایر معاصی بیاناتی بیان فرمودند که می‌تواند انسان را از گناه بازدارد چه رسد به پیامبری و پیامبر که خود اثرات برزخی و اخروی آن را می‌دیدند.

۱. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۳۳.

۲. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۳۳۶.

درسهایی از اصول دین، شماره ده / ۲۵

کوتاه سخن آنکه یاد آخرت و شهود اثرات گناه در عالم آخرت بهترین عاملی بود که پیامبران را از گناه و آلودگی حفظ می‌کرد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: و اذْکُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِیْمَ وَ اِسْحٰقَ وَ یَعْقُوبَ اُولٰٓئِیْ الِاٰیٰتِیْ وَالْاَبْصَارِ (۴۵) اِنَّا اَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِکْرٰی الدَّارِ (۴۶) وَ اِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفٰییْنَ الْاٰخِیَارِ (۴۷).

- ای رسول ما- یاد کن از بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب که همه صاحب اقتدار و بصیرت بودند همانا آنان را به خصلتی که یاد آخرت باشد

۲۶ / پیامبران معصومند چرا و چگونه؟

خالص گردانیدیم و همانا ایشان نزد ما از برگزیدگان
نیکان می‌باشند.^۱